داستان‌های داوطلبانه

وانه کوردی!

سعید اصغرزاده

می‌خواهم در ستایش زبان مادری بنویسم و این که باید داوطلب پاسداشت زبان مادری‌مان باشیم و قدردانی کنم از تحقق یکی از شعارهای رئیس‌جمهوری. اما همه‌اینها نه‌ماه‌های می‌طلبید. پس ناچارید مطالبی را بامن مرور کنید تا به اصل موضوع برسید. هرچند وقتی به اصل می‌رسید تازه‌مستونم تمام‌می‌شود!

لابد می‌دانید که یک روز را از طرف یونسکو به‌عنوان روز جهانی زبان مادری نامگذاری کرده‌اند. نامگذاری این روز در کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۹ به‌منظور کمک به تنوع زبانی و فرهنگی انجام شد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به‌دلیل تصویب این ایده، از سال ۲۰۰۸ را سال جهانی زبان‌ها اعلام کرده بود. دلیل نامگذاری روز جهانی زبان مادری از زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۵۲ دانشجویان دانشگاه‌های مختلف شهر داکا، پایتخت امروزی کشور بنگلادش که در آن زمان پاکستان‌شرقی نامیده می‌شد و هنوز مستقل نشده بود، از جمله دانشجویان دانشگاه داکا و دانشگاه پزشکی آن تلاش جهت ملی کردن زبان بنگالی به‌عنوان دومین زبان پاکستان (در کنار زبان اردو) تظاهرات مسالمت‌آمیزی در این شهر به‌راه انداختند. به‌دنبال این حرکت دانشجویان، پلیس به آنها تیراندازی کرده و عده‌ای از آنها را کشت. بعد از استقلال بنگلادش از پاکستان و به‌درخواست این کشور، برای نخستین‌بار سازمان یونسکو در ۱۷ نوامبر سال ۱۹۹۹ روز ۲۱ نوامبر (برابر با دوم و گاهی اول اسفند) را روز جهانی زبان مادری نامید و از سال ۲۰۰۰ این روز در بیشتر کشورها گرامی داشته می‌شود و برنامه‌هایی در ارتباط با این روز برگزار می‌شود.

زبان نخست یا زبان مادری به نخستین زبانی گفته می‌شود که کودک سخن گفتن به آن را یاد می‌گیرد. زبان نخست (افزون بر زبان بومی) زبان اصلی، زبان مبدأ، زبان مادری یا مجموعه اصطلاحات بومی، زبان شخصی است که از زمان تولد آن را آموخته و به بهترین وجه صحبت می‌کند و اغلب معنایی برای همسانی جامعه‌شناسی زبان است. در بعضی از کشورها، اصطلاحات زبان بومی یا زبان مادری بیشتر به زبان قومی یک فرد اشاره می‌کند تا زبان اول او. در برابر، زبان دوم زبانی است که هر فردی متفاوت با زبان نخستش صحبت‌می‌کند.

مساله و خواست تحصیل به زبان مادری سابقه نسبتا طولانی در ایران دارد و به زمان پادشاهی پهلوی اول برمی‌گردد. اما همواره با این خواست مخالفت شده بود. پهلوی اول که وظیفه خود را مدرن کردن ایران بر مبنای تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی می‌دانست، ناسیونالیسم فارسی، ایرانی را به ایدئولوژی رسمی تبدیل کرد که در آن تنها زبان و فرهنگ فارسی حق ابراز داشت. البته در رسانه‌های جمعی در آن زمان موزیک و ترانه به زبان‌های ترکی، کردی و گیلکی پخش می‌شد.

بعد از پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی در اصل ۱۵ قانون اساسی به حقوق اقلیت‌های ایران پرداخت. طبق اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «زبان و خط رسمی ایران فارسی است، اما استفاده از زبان‌های قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس به زبان آنها در مدارس و در کنار زبان فارسی آزاد است. حالا ۳۵ سال پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، اسفند ماه سال گذشته، گامی عملی جهت اجرای بخشی معطل‌مانده از یکی از اصول این قانون برداشته شد و برای نخستین‌بار، تدریس رسمی زبان و ادبیات کردی، در قالب کتابی درسی که به‌عنوان ضمیمه کتاب فارسی دوره اول متوسطه تدوین شده، در مدارس شهرستان سقز در استان کردستان آغاز شد. براساس گزارش وبسایت کردی فارسی «ولاتگه»، روز شنبه ۹ اسفندماه در مدرسه صلاح‌الدین ایوبی سقز در استان کردستان طی مراسمی از کتاب آموزش زبان کردی رونمایی شد. تاکنون ۵هزار جلد از این کتاب ۶۷ صفحه‌ای با نام «وانه کوردی» (درس کردی) منتشر شده و به قیمت ۱۷۰۰ تومان که هزینه چاپ آن است از طریق مدارس در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته است. البته تقاضا برای کتاب در سطح شهرستان زیاد است، اما با توجه به نداشتن مجوز وزارت ارشاد، امکان فروش آزاد آن وجود ندارد و تنها بر حسب تقاضای مدارس در مجموعه‌های هزارتایی چاپ شده و در اختیار مدارس متقاضی قرار می‌گیرد.»

خردادماه سال ۹۳ در ادامه همین بحث‌ها جمعی از فعالان کرد در حالی که به امضای ۱۰ هزار شهروند کرد رسیده بود، با یادآوری وعده‌های حسن روحانی خواهان اجرایی شدن آنها در ارتباط با «آموزش زبان مادری» شدند. حالا اما خبر آغاز تدریس رسمی زبان و ادبیات کردی در مدارس سقز را شاید بتوان گام مهم و تعیین‌کننده در اجرای کامل اصل پانزده قانون اساسی دانست. گامی که تلاش در جهت تحقق اصول معطل مانده قانون‌اساسی و تحقق شعارهای ریاست جمهوری محترم است. کاری که در جهت تحقق اهداف داوطلبانه در جهت حفظ میراث و ارزش‌های بومی کشور نیز هست. جناب آقای روحانی ممنونیم.

طی تعطیلات نوروزی، بیش از ۳۵۰ وقف جدید در راستای برگزاری طرح‌های نوروزی سازمان اوقاف و امور خیریه در سراسر کشور به ثبت رسید که در نوع خود یک رکورد است.

در قالب این نیک‌اندیش، ایرانیان وقف‌های جالب و شگرفی هم در اواخر سال ۹۳ و آغاز ۹۴ به ثبت رساندند.

یکی از مهم‌ترین تمهیدات دین اسلام در راستای تأمین آینده مسلمین و فرزندان ایشان، پایه‌ریزی سنت حسنه وقف است، چنان که وقتی به قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و سنت عملی ایشان رجوع می‌کنیم، اهمیت دوچندان این سنت زیبا را درمی‌یابیم. گرچه در قرآن کریم آیه‌ای به صراحت دال بر وقف وجود ندارد، اما از آیات متعددی می‌توان وقف را به‌عنوان یکی از مصادیق بارز اعمال صالحه با باقیات صالحات یاد معرفی کرد. پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت مکرم ایشان نیز در زمان حیات گهربار خویش نه‌تنها در بی احسان و نیکی به اطرافیان و مسلمانان بودند، بلکه به جهت آینده‌نگری و تأمین منافع و مصالح مسلمین به‌طور عملی به دیگران سنت نیکوی وقف را آموزش می‌دادند.

تاریخ اسلام آکنده است از موقوفات و میراث ماندگار و گرانسنگ این عزیزان که مطالعه آنها ضرورت و اهمیت طرح بحث درباره وقف را نمایان می‌سازد.

اگر این سنت جمیل مورد تبلیغ و ترویج قرار گرفته و همگان به آن هدایت و تشویق شوند، نه‌تنها آثار مثبت و ماندگار دنیوی بلکه ثمرات اخروی فراوانی نصیب واقف خواهد شد.

در این گزارش بنا داریم به وقف‌های جالب و شگفت‌انگیز ایرانیان عزیز در دو بعد موقوفه یا نیات که در اواخر سال ۹۳ و تعطیلات نوروزی سال ۹۴، به ثبت رسید به نقل از ایسنا، بپردازیم که در پی می‌خوانید:

• وقف منزل مسکونی در تهران برای کلینیک درمانی

خانم گل‌عذار صفری ساکن تهران، شش‌دانگ یک زمین و بنای احداثی آن به مساحت حدود ۶۰ مترمربع واقع در خیابان قزوین را وقف کرد.

این واقف خیراندیش، این موقوفه را با نیت ایجاد یک کلینیک درمانی وقف کرده است و پزشکی که در آن حضور می‌یابد نیز باید در طول سال، تعدادی از بیماران معرفی شده از سوی متولی موقوفه را به‌صورت رایگان درمان کند. همچنین عواید حاصل از اجاره نیز برای درمان بیماران صعب‌العلاج هزینه خواهد شد.

ارزش این موقوفه توسط کارشناسان، حدود یک‌میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال برآورد شده است.

• وقف ساختمان در شهر دیر برای کمک به‌دانشجویان بی‌بضاعت

یک‌باب ساختمان به‌مساحت ۶۰۰ مترمربع و ارزش ریالی ۹ میلیارد ریال واقع در شهرستان دیر استان بوشهر وقف شد.

این ساختمان با نیت تأمین هزینه‌های دانشجوهای بی‌بضاعت شهر دیر توسط واقف نیک‌اندیش، حیدر بردستانی وقف شد.

• وقف ۲۰۴ مترمربع زمین در تنکابن برای تربیت حافظان قرآن

واقفان خیراندیش خانم‌ها قدیری یک قطعه زمین و بنای مسکونی آن به مساحت ۲۰۴ مترمربع را وقف کردند.

ارزش تقریبی این موقوفه ۸۰۰ میلیون ریال است که با نیت برگزاری مراسم فرهنگی و اجرای طرح تربیت حافظان قرآن کریم در شهر سازمان تنکابن وقف شده است.

• وقف زمینی در درمیان برای احداث پارکینگ و فضای سبز

واقف نیک‌اندیش، ملک عرب‌درخش، این موقوفه را با نیت استفاده پارکینگ و فضای سبز باغستان روستای درخش وقف کرد.

ارزش این موقوفه ۵۰ میلیون ریال برآورد شده است.

• وقف یک دانگ آب چشمه در زند

حاج محمدعلی علیزاده، واقف خیراندیش در اقدامی خداپسندانه سهم خود را از یک‌دهنه چشمه واقع در روستای نسیتان این شهرستان وقف کرد.

واقف درآمد حاصل از فروش ساعت آب این چشمه را جهت تعمیر، تأمین و بازسازی مسجد حضرت ابوالفضل(ع) روستای مذکور وقف کرده است.

ارزش این موقوفه، ۲۵۰ میلیون ریال برآورد شده است.

• وقف ملکی برای ازدواج جوانان توسط یک مادرشهید

بانوی خیر «نصرت بحرینی»، مادر شهید سعید نکوئی، ملک خود شامل ۲ دانگ از یک واحد مسکونی به‌انضمام شش دانگ یک‌باب مغازه تجاری واقع در شهرستان زرند را برای سنت حسنه ازدواج جوانان نیازمند شهرستان وقف کرد.

ارزش ملک مذکور، یک‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال برآورد شده است.

ثبت رکورد شمار وقف‌های جدید در نوروز ۹۴

• وقف ۱۰۰۰ فریم عکس فاخر از امامزادگان و موقوفات قزوین

۱۰۰۰ فریم عکس فاخر از امامزادگان و موقوفات قزوین به‌عنوان اولین وقف رسانه‌ای استان به ثبت رسید.

• وقف زمین مزروعی یکهزار و ۷۵۰ مترمربعی یانیت مددجویان بهزیستی

زمینی مزروعی به وسعت یکهزار و ۷۵۰ مترمربع در روستای طرود شهرستان شاهرود، وقف مددجویان بهزیستی شد.

• وقف سهام شرکت توسعه معادن روی با نیت کمک به حوزه علمیه

زکریا نقابی، واقف خیراندیش تعداد ۴۴ هزار و ۳۵۳ سهم از کل سهام شرکت توسعه معادن روی ایران را بانیت کمک به حوزه علمیه امام خمینی(ره) شبستر وقف کرد.

ارزش ریالی این موقوفه ۵۰۰ میلیون ریال برآورد شده است.

• یک جانباز شیمیایی، زمینش را وقف امور خیریه کرد

ابوالفضل عباسپور، جانباز بردسکنی، در اقدامی خداپسندانه و خیرخواهانه، قطعه زمینی به مساحت ۴ هزار و ۵۰۰ مترمربع و به ارزش ۱۶۰ میلیون ریال را وقف یک موسسه خیریه کرد.

• وقف یک ساعت آب کشاورزی برای فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در بردسکن

خیرالنساء شنوایی، واقف خیراندیش، یک ساعت آب کشاورزی به‌ارزش ۱۵۰ میلیون ریال را وقف کرد.

این وقف با نیت انجام فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی روستای محمدآباد از توابع شهرستان بردسکن به ثبت رسیده است.

• وقف ۱۰۰ اصله درخت زرشک در بیرجند برای هزینه‌های مسجد

۱۰۰ اصله درخت زرشک در شهرستان درمیان به ارزش ۶۰۰ میلیون ریال وقف هزینه‌های مسجد شد.

درمجموع، این وقف شامل ۶۰ فنجان آب و اراضی، ۱۰۰ اصله درخت زرشک با اراضی در روستای شمس‌آباد محمد به شهرستان درمیان است.

• وقف سهام دو شرکت در خراسان با نیت تعزیه‌داری حضرت زهرا(س)

واقف خیراندیش، مختار صفری، تعداد ۵۲۰ سهم از سهام شرکت احیاء صنایع خراسان و ۱۴۰ سهم از سهام شرکت سنگ‌سازان خراسان، اوقاف تعزیه‌داری حضرت فاطمه زهرا(س) در شهرستان باخرز کرد.

ارزش این وقف ۳۰ میلیون ریال است.

• وقف آب و زمین برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در خراسان رضوی

خیر نیک‌اندیش، مهدی داوودی، نیکوکار جغتایی یک قطعه زمین به همراه آب آن را وقف ترویج فرهنگ عفاف و حجاب کرد.

اخبار نیکوکاری

مدیرعامل بنیاد کودک آمریکا به ایران می‌آید

در راستای حمایت از بیماران کودک نقص ایمنی در روز نهم اردیبهشت، مدیرعامل بنیاد کودک آمریکا به ایران می‌آید و طی مراسمی آنیلا پسیانی به‌عنوان سفیر کودکان نقص ایمنی معرفی می‌شود.

خیریه حامیان کودکان نقص ایمنی در راستای حمایت از کودکان مبتلا به این بیماری ۹ اردیبهشت‌ماه در مراسمی آنیلا پسیانی را به‌عنوان سفیر معرفی خواهد کرد. طبق روال مرسوم با توجه به‌جایگاه اجتماعی هنرمندان و ورزشکاران و محبوبیت و استقبال عمومی از این قشر جامعه، خیریه حامیان کودکان نقص ایمنی نیز برای بهبود شرایط خیریه و حمایت از کودکان تحت‌پوشش خود اقدام به این کار کرده است. سفیر خیریه نمایانگر شخصیت بیرونی و اعتبار آن است که می‌تواند راهگشای اذهان عمومی در ارتباط با بیماری‌های خاص باشد.

همچنین در کنار هنرمندان، ورزشکاران و چهره‌های خیر و نیکوکار، دکتر پیمان رئوفی، مدیرعامل بنیاد کودک آمریکا به‌دعوت خیریه حامیان کودکان نقص ایمنی و در حمایت از بیماران نقص ایمنی ایران، روز نهم (اردیبهشت‌ماه در این مراسم حضور خواهد داشت.

گفتنی است، مقابله با بیماری نقص ایمنی که متاسفانه به‌دلیل ازدواج‌های فامیلی در ایران شایع است و کمتر به آن توجه شده، احتیاج به آگاهسازی خانواده‌ها دارد و انتخاب هنرمندی به‌عنوان سفیر که در عرصه تئاتر، تلویزیون و سینما فعالیت می‌کند، می‌تواند حوزه وسیعی از اطلاع‌رسانی را دربر گیرد. این خیریه قصد دارد با انتخاب سفیر، پژواک رسانی از صدای خویش را در جامعه منعکس کند و ۳۰ حرفه اساسی تشخیص، پیشگیری و درمان روی بیماران نقص ایمنی با آگاهی و دقت بیشتری انجام شود.

شایان ذکر است، این خیریه در سال ۱۳۹۰ به یاد دو کودک (شیدا و نیکو) که جان خود را بر اثر ابتلا به بیماری نقص ایمنی از دست دادند، آغاز به کار کرد.

بیماری‌های نقص ایمنی عبارت است از وجود نقص در دستگاه ایمنی بدن. دستگاه ایمنی سالم بدن انسان را در برابر میکروب‌ها، باکتری‌ها (ویروس‌ها و قارچ‌ها)، سرطان (حفاظت نسبی) و هر گونه جسم خارجی که وارد بدن می‌شود محافظت می‌کند. زمانی که دستگاه ایمنی نتواند به نقش خود خوب عمل کند، بدن مستعد عفونت و سرطان می‌شود. نقص ایمنی می‌تواند هم در مردان و هم در زنان و در تمام سنین رخ دهد.

مشارکت خیرین در امر مدرسه‌سازی همراهی مردم با دولت است

رشید قربانی در دومین نشست ستاد هماهنگی برگزاری هفدهمین جشنواره خیرین مدرسه‌ساز استان در سنندج با تأکید بر استفاده از ظرفیت بالای مشارکت خیرین نیک‌اندیش، هدف از برگزاری این جشنواره را فرهنگ‌سازی و ایجاد انگیزه جهت مشارکت بیشتر خیرین در امر مقدس مدرسه‌سازی دانست.

وی با اشاره به ضرورت بسترسازی جهت جلب مشارکت خیرین در اجرای برنامه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی در کنار احداث فضاهای آموزشی، به نیاز شدید استان برای حضور و مساعدت خیرین در امر مقدس مدرسه‌سازی پرداخت.

مدیر کل آموزش و پرورش کردستان، خواستار برگزاری کیفی جشنواره خیرین مدرسه‌ساز از نظر شکلی و محتوایی و استفاده از ظرفیت سایر دستگاه‌ها و نهادها در این راستا شد. مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کردستان نیز در این نشست بر استفاده بهینه از مشارکت خیرین مدرسه‌ساز در راستای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام آموزشی و تحویل آن برای سال تحصیلی جدید تأکید کرد. رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز کردستان نیز در این نشست از برگزاری جشنواره خیرین مدرسه‌ساز در دوبخش شهرستان و استان خبر داد و گفت: برگزاری جشنواره‌های شهرستانی از اول بهمن ۹۳ در سطح استان آغاز شده است.

خانواده‌های دارای دو معلول تا پایان سال خانه‌دار می‌شوند

محمدرضا کارگری با اشاره به برنامه‌ریزی جامعه خیرین حامی معلولان کشور برای خانه‌دار شدن معلولان اظهار داشت: سال گذشته نهضت واگذاری مسکن به خانواده‌های دارای ۳ معلول آغاز شد و درنهایت تمامی خانواده‌های دارای ۳ معلول صاحب‌خانه شدند.

وی تصریح کرد: در سال جاری نیز نیاز داریم خانواده‌هایی که دارای ۲ معلول هستند، صاحب مسکن و خانه شوند که تعداد این افراد ۸هزار و ۵۰۰ نفر است. کارگری ادامه داد: طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته و هماهنگی بین وزارت مسکن، راه و شهرسازی و سایر دستگاه‌های اجرایی، قرار است تا پایان سال این افراد صاحب‌خانه شوند به‌طوری که جامعه خیرین حامی معلولان کشور، سهم آورده این افراد را تقبل خواهد کرد.

سخنگوی جامعه خیرین حامی معلولان کشور بیان داشت: وضوح دیگری که در سال ۹۴، از سوی جامعه خیرین پیگیری خواهد شد، اشتغال‌زایی معلولان است که در این زمینه دستگاه‌های اجرایی موظفند ۳ درصد از استخدام‌های خود را به معلولان اختصاص دهند.

ایده‌های نو

کوچیدن به خانه‌های کوچک

آلونک‌های یک‌وجبی برای مردم بی‌سرپناه

تا حالا مجبور بوده‌اید همه زندگی خود را در یک فضای محدود و بنادانگشتی جابه‌جا بدهید؟ هنرمندی در کالیفرنیا این کار را عملی کرده است. او با استفاده از وسایل بدرد نخور، برای مردم بی‌سرپناه، خانه‌هایی یکوجبی می‌سازد.

گریگوری کلون، سال‌هاست با کارهای هنری خود بین مردم عادی به‌ویژه بی‌خانمان‌های آمریکایی شناخته شده است. گریگوری در طنز اجتماعی تخصص دارد و کارهای هنری خود را براساس واقعیت‌های جامعه ارایه می‌کند. یکی از کارهای او، این است که آن و اشغال‌هایی را که مردم مرفه دور انداخته‌اند، جمع می‌کند و با استفاده از آنها برای مردم بی‌سرپناه اطرافش، اتاقک‌های سیار و کوچک می‌سازد.

او از ماشین لباسشویی تا چوب و پلاستیک و آهن‌پاره و هر چیزی که در ذهنش او جرقه بزند، خانه‌های کوچک و خوشرنگ می‌سازد. در طول سال‌هایی که مشغول این کار بوده، با ساختن هر اتاقک خلاقیت خود را بیشتر کرده است. او تلاش کرده در این اتاقک‌های کوچک شرایطی را فراهم کند که در یک منزل معمولی وجود دارند. از شیر آب گرفته تا دوش، آشپزخانه، میز و صندلی، پنجره، در و حتی قفل همه اینها در یک یا یک‌ونیم متر اتاق ایجاد می‌شوند که برخی از آنها شباهت زیادی به لانه حیوانات خانگی دارند. اما بسیاری از این اتاقک‌ها آثار هنری‌اند. گریگوری معتقد است که هیچ‌کدام از این اتاقک‌ها شبیه هم نیستند، چون مواد هر کدام از گوشه‌های شهر و اشغال‌های پراکنده فراهم آمده است.

بی‌خانمان‌های سپاسگزار

برای بی‌خانمان‌هایی که سال‌های سال، زیر باد و باران و برف و در خیابان شب را روز و روز را شب کرده‌اند، دریافت سرپناهی چنین خوشرنگ اتفاق مهمی است. گریگوری هر بار که به یکی از بی‌خانمان‌ها هنر خود را رایگان هدیه می‌دهد، به انتقادهایشان گوش می‌کند تا در کار بعدی خود به آنها توجه کند.

برای مثال، یکی از بی‌خانمان‌ها گفته بود که او برای زمان طولانی در یک محل نمی‌ماند و جهت پیدا کردن روزی، باید از یک محل به محل دیگر برود، بنابراین نمی‌تواند اتاق خود را گوشه خیابان رها کند؛ چون ممکن است دوباره گرد، دیگر سر جایش نباشد. گریگوری برای منزل او چرخ گذاشت و دید که بقیه «صاحب‌خانه»ها هم دوست دارند سرپناه متحرک داشته باشند و این گونه بود که همه اتاقک‌ها از آن پس چرخدار تولید می‌شوند.

خانه یا لانه؟

بسیاری از بی‌خانمان‌هایی که حالا صاحب اتاقک‌های ساخته گریگوری شده‌اند، خودشان به او کمک می‌کنند که دوربختنی‌های بیشتری جمع کند و هنگام ساختن اتاقک‌ها هم با او همراهی می‌کنند. یکی از مخاطب‌های او در تازنمایش نوشته: «من ۱۰۰ سال دارم و این ایده شما را پسندیدم. می‌خواهم در این پروژه به شما کمک کنم.»

با این که افراد زیادی از این ایده گریگوری استقبال کرده‌اند و مرتب برای خود یا دوستی درخواست اتاقک می‌کنند، افرادی هم هستند که به این ایده انتقاد شدید دارند. این افراد معتقدند که چنین ایده‌هایی مشکل بی‌خانمان‌ها را در جامعه ریشه‌ای حل نمی‌کند به اعتقاد آنها، کار تنها ظاهرسازی است که فاجعه را لاپوشانی می‌کند. برخی هم معتقدند که این اتاقک‌ها شبیه لانه حیوانات خانگی است و در شأن انسان امروزی نیست. اما گریگوری معتقد است، بی‌خانمان‌هایی که زیر برف و باران و در پیاده‌روها می‌خوابند و غذای روزانه خود را از زباله‌دانی‌های شهر و مغازه‌ها جمع می‌کنند؛ از زندگی در چنین اتاقک‌هایی احساس حقارت نمی‌کنند یا دست کم او چنین حسی را در مشتریان خود ندیده است و برعکس، خوشحالی و اشک شادی روی رخسار آنها او را بیش از پیش در گیر این ایده کرده است.

طنز سیاه از اوضاع جامعه

برخی منتقدان در کارهای هنری گریگوری ظرافتی می‌بینند که به قول آنها نوعی طنز سیاه در آن نهفته است. طنز سیاه گریگوری درباره موضوع حساس بی‌خانمانی، ارزش ویژه‌ای دارد. ارزشی که شاید تنها افرادی متوجه آن شوند که در چنین شرایط و موقعیتی به‌سر می‌برند. افرادی که مثل حیوانات خیابانی و بی‌سرپناه زندگی می‌کنند و با دریافت اتاقک‌هایی شبیه اتاقک حیوانات خانگی خوشحال می‌شوند و می‌توانند از برف و باران و سرما در پناه باشند.

آن‌طور که گریگوری در تازنمای خود نوشته، او آموخته است که به روی رنج و غم و اندوه بخندد و همیشه تلاش کرده این روحیه را در هنر خود نیز تجسم دهد. او در یکی از گفت‌وگوهای خود با رسانه‌های محلی گفته: «ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن برخی افراد توانایی مالی خرید قصرهای بزرگ و هواپیماهای خصوصی را دارند و بسیاری خرج نان روزانه خود را هم نمی‌توانند در آورند. اگر بتوانیم دست کمک به‌سوی این افراد دراز کنیم و کیفیت زندگی آنها را حتی اگر شده کمی بالاتر ببریم، به خودمان هم کمک کرده‌ایم.»

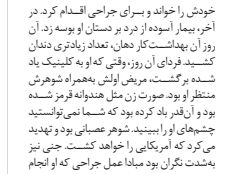

پاورقی هفته

ماجه نوع دنیایی را می‌خواهیم؟

ایزابل آنده
فعال اجتماعی و نویسنده

فعال اجتماعی و نویسنده، ایزابل آنده در این مطلب درمورد زنان و آفرینندگی و روشنگری و البته درمورد اشتیاق صحبت‌می‌کند.

من این‌جا چند داستان از اشتیاق می‌گویم. یک ضرب‌المثل است که من خیلی آن را دوست دارم. چه‌چیزی حقیقی‌تر از خود حقیقت است؟ جواب: افسانه من قصه‌گو هستم. من می‌خواهم چیزهایی رو نقل کنم که از حقیقت حقیقی‌تر هستند. درمورد جمع بشری مشترکمان. همه داستان‌ها ما جلب می‌کنند و بعضی از آنها مرا اسیر می‌کنند تا زمانی که آنها را بنویسم. مسلما برخی از آنها زودتر نوشته می‌شوند: عدالت، وفا، خشونت، مرگ، سیاست و موضوعات اجتماعی، آزادی من از وجود رازهای اطرافمان آگاه هستم. لذا در رابطه با رویدادها و هنرهای نویسم، احساسات، رویاها، قدرت طبیعت و معجزه.

یک قصه از اشتیاق می‌گویم و این قصه ناراحت‌کننده است. محل کلینیک بانوان در روستای کوچکی در بنگلادش سال ۲۰۰۵. جنی، یک متخصص بیهداشت دهان آمریکایی است که به آن کلینیک به‌عنوان داوطلب می‌رود، طی مرخصی ۳ هفته سالیانه‌ای که به او داده شده است. او آماده شده بود برای تمیز کردن دندان، اما وقتی به آن جا رسید، فهمید که در آن جا هیچ دکتر و دندانپزشکی نیست و کلینیک نیز فقط یک کلبه بی‌آب و پر از پوشه‌دهاست. بیرون یک صف از زن‌ها بود که ساعت‌ها منتظر بودند تا مورد معالجه قرار بگیرند. اولین مریض یک بیمار با دردی مشقت‌بار بود به‌خاطر این که چندین دندان آسیاب او فاسد شده بود. جنی به این نتیجه رسید که تنها راه‌حل این است که دندان‌های خراب را بکشد. او مجوز این کار را نداشت و هیچ‌گاه تا آن‌زمان چنین کاری نکرده بود. او خطر بزرگی را پذیرفت و از این بابت ترسیده بود. او حتی وسایل لازم نیز نداشت. خوشبختانه مقداری نوسایین (داروی ضددرد) با خود برده بود. جنی قلب شجاع و مشتاقی داشت. او دعای خودش را خواند و برای جراحی اقدام کرد. در آخر، بیمار آسوده از درد بر دستان او بوسه زد. آن روز آن بیهداشت کار دهان، تعداد زیادتری دندان کشید. فردای آن روز، وقتی که او به کلینیک یاد شده برگشت، مریض اولش به‌همراه شوهرش منتظر او بود. صورت زن متل هندوانه قرمز شده بود و آن‌قدر باد کرده بود که شما نمی‌توانستید چشم‌های او را ببینید. شوهر عصبانی بود و تهدید می‌کرد که آمریکایی را خواهد کشت. جنی نیز به‌شدت نگران بود مبادا عمل جراحی که او انجام داده است، مشکل‌ساز شده باشد، اما بعد مترجم برایش توضیح داد که شرایط عمومی بیمار هیچ ربطی به عمل جراحی ندارد. روز بعد از عمل، شوهر آن زن او را به‌شدت کتک زده بود چراکه آن زن بیمار در خانه نبود تا برای او شام درست کند.